

فرار به جلو با اعتراف

در حاشیه پاسخ فرهنگ توسعه به نوشته "شبح لیبرالیسم و دام ارتجاع"

بهمن شفیق

۱۸ آذر ۸۶ - ۹ دسامبر ۲۰۰۷

سایت فرهنگ توسعه به نوشته من تحت عنوان "شبح لیبرالیسم و دام ارتجاع" پاسخ داد. این پاسخ را البته آقای هادی پاکزاد به قلم تحریر درآورد، اما در اولین نگاه معلوم می شود که این پاسخ آن سایت به نوشته است و نه پاسخ شخصی آقای پاکزاد. آقای پاکزاد تنها مسئولیت تدوین آن را بر عهده گرفت و به انجام رساند. دقت در این پاسخ نشان می دهد که علیرغم ظاهر مؤدبانه ای که آقای پاکزاد در آن نوشته به خود گرفته است، فرهنگ توسعه بیش از آن در باتلاق فرورفته است که بتواند حتی وارد مجادله ای رو راست در دفاع از عملکرد خود شود و آن ظاهر مؤدبانه تنها پوششی است بر سالوسی و ریاکاری دست اندرکاران این سایت. نوشته "شبح لیبرالیسم و دام ارتجاع" به بررسی سیاست بخشی از جناح اصولگرای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به چپ پرداخته و مدعی شده بود که این ارتجاعی ترین جریانات درون رژیم برای تبیین سیاستی به روز در مواجهه با معضلات و مشکلات "حکومت کردن" آگاهانه با اتخاذ یک جهتگیری به ظاهر چپ و عدالتخواهانه تلاش در القاء خویش به عنوان جزئی از جریان جهانی آنتی گلوبالیزاسیون دارد و بر مبنای همین جهتگیری سیاست کنترل و هدایت چپ در داخل کشور و استفاده از نیرو و ظرفیت بالقوه این چپ در جهت حفظ منافع و موقعیت خود را نیز مد نظر قرار داده و بدان عمل می کند. آن نوشته نشان داده بود که پنهان کردن سرشت ضد روشنگری جمهوری اسلامی در پشت شعارهای ضد لیبرالی و دامن زدن به گرایشات ضدلیبرالی در چپ یک جزء جدائی ناپذیر این سیاست است. همه اینها نیز بر متن برانگیختن احساسات ناسیونالیستی در چپ حول مسأله مقابله با غربی که خواهان عقب ماندگی ایران است و به همین دلیل نیز با انرژی هسته ای برای ایران مخالفت می کند صورت می گیرد. بررسی موردی نوشته "شبح لیبرالیسم..." بر اساس نوشته ای از یکی از مدیران مسئول سابق صدا و سیمای لاریجانی به نام شهاب اسفندیاری صورت گرفت که تحت عنوان "بیم پست مارکسیسم و دام نئولیبرالیسم" در سایت دولتی الف و در روزنامه دولتی ایران به چاپ رسیده بود. من مدعی شدم که سایت فرهنگ توسعه با درج این نوشته و مخدوش کردن مرز بین اپوزیسیون و پوزیسیون در صفوف چپ تابویی را شکسته است که از دوران سالهای اولیه دهه ۶۰ به این طرف سابقه نداشته است. بنابر این موضوع "شبح لیبرالیسم و دام ارتجاع" به هیچ وجه وارد شدن به مجادله اقلی و دیالوگ با دست اندرکاران این سایت نبود. گو اینکه هنوز ذره ای امید به این وجود داشت که با نشان دادن عمق باتلاقی که این سایت و دست اندرکارانش در آن فرو می روند، شاید تردیدی در آنها ایجاد شود و به تجدید نظر در این سیاست خانمان برانداز خود بنشینند. پاسخ هادی پاکزاد اما نشان داد که این جریان در طی طریق رسوایی که پیموده است ثابت قدم است.

پاسخ هادی پاکزاد حاوی چند محور است. نخست آنچه که او باید می گفت و نگفته است. او در تمام نوشته اش حتی یک کلمه از درج مطلب یکی از سیاستگذاران جمهوری اسلامی در سایتی که مدعی سوسیالیسم است بر زبان نرانده است. انگار نه انگار که پاکزاد نامی و محوی نامی و دیگرانی تصمیم به درج نوشته اسفندیاری نامی گرفته اند که به بیان صریح خود او از سربازان امام زمان است. پاکزاد نیازی به توضیح این مورد نمی بیند. این بی نیازی جز تأیید مجدد آن سیاست نیست. او ماجرا را تا این حد تقلیل می دهد که «فرهنگ توسعه» فقط ادعا دارد که یک رسانه‌ی چپ بوده و ... و انعکاس بعضی از مطالب در آن نیز، نباید نمایانگر خطمشی آن تلقی شود. تمام مسأله هم در همین است. او درج مطلب مقامات جمهوری

اسلامی در یک رسانه چپ را تا حد بعضی از مطالب تنزل می دهد. پس حکم ما در این مورد که فرهنگ توسعه مرز بین سرکوبگر و سرکوب شده، مرز بین ارتجاع حاکم و چپ را مخدوش می کند، نه تنها درست بود، بلکه دفاعیه پاکزاد به صراحت نشان می دهد که این سیاستی است حساب شده. این سیاست را البته در سایر مطالب این سایت نیز می شد دید که خواستار کنار گذاشتن دشمنی های قدیمی بود که از قضا به نفع هیچکس نیست. با این همه فرق هست بین دفاع عمومی از یک سیاست تا اجرای مشخص آن و سپس به دفاع از آن برخاستن. همه مدافعان حکم اعدام خطاکارند اما جلاد نیستند، آن کس که فرمان اعدام می دهد و آن کس که آن را اجرا می کند جلادند. فرهنگ توسعه با درج نوشته اسفندیاری خط قرمز رابطه با ارتجاع را عملاً پشت سر گذاشت و امروز نیز به دفاع از این سیاست پرداخته است. این تفاوت ماجراست.

دوم این که پاکزاد در همین نوشته جوابیه هم ذره ای روش سالوس و ریاکاری را کنار نگذاشته است. او که اصل انتقاد را بی پاسخ گذاشته است به جار و جنجال رو می آورد و به مصداق "حمله بهترین دفاع است" دست به حمله متقابل می زند و ضمن موعظه های طویل و بی معنی اندر خصیصه اضرار و تشخیص درست آنان ناگهان از موضع طلبکار ظاهر می شود که "پدر جان آمریکا عامل اصلی هر فاجعه ای است و جمهوری اسلامی را حداقل عامل بعدی بدانید." و سپس هم به ما حکم می کند که "بله، همین امروز لازم است که شما به روشنی بگویید که آمریکا چه کاره است." تا پس از آن وقاحت را به اوج رسانده و بپرسد که "آیا طالب دموکراسی آمریکایی هستید؟". حقا که جمهوری اسلامی تا مغز استخوان امثال پاکزاد نفوذ کرده است. نویسندگان آمده است و مچ پاکزاد و شرکا را هنگام ارتکاب جرم گرفته است و اعتراض کرده است که چرا سایت آنان مطلب مقامات جمهوری اسلامی را چاپ کرده است و پاکزاد در مقابل از منتقد می پرسد که "آیا طالب دموکراسی آمریکایی هستید؟". او که قبلاً و در مقام پاسخ به عباس فرد نخست به خودزنی پرداخته بود تا در ادامه وقیحانه اهانت کند که "وقتی به این چیزها فکر می کنم از مجموعه ی روابط حاکم بر این جهان که همه ی این چیزها را توجیه می کند و دارد از همه ی این امور به عنوان وسایل بقای خودش استفاده می کند و جالب این جاست که از همه ی این استفاده ها نیز سود و برداشتی حقیرانه و نکبت بار نصیب می برد، سرم گیج می خورد و بی اختیار دلم می خواهد در برابر حیوانی نجیب به نام الاغ سر تعظیم فرود آورم"، این بار دیگر یکسره شرم و حیا را کنار می گذارد تا به جای پاسخ به انتقاد و به سبک و سیاق اسلامی وزارت اطلاعاتی بدون هیچ استدلالی منتقد خود را به دفاع از دموکراسی آمریکایی متهم کند. پاکزاد می تواند صد بار به تعظیم در مقابل الاغ بپردازد. او که هم امروز در مقابل نانجیب ترین موجودات هر روزه در حال تعظیم است. اما یکاش به جای این همه تعظیم ذره ای از نجابت آن الاغ یاد می گرفت. اما چنین انتظاری از پاکزادها انتظاری بیهوده است. شرم یک احساس انقلابی است.

پرداختن به بقیه دفاعیات پاکزاد کاری بیهوده است. او به همراهی "هیأت تحریریه" و "سردبیر" فرهنگ توسعه تصمیم خود را گرفته است. او در خدمت جمهوری اسلامی است و راهی نیز برای بازگشت خود نگذاشته است. سؤال اما این است که چپ با چنین موجوداتی چه خواهد کرد؟ صحبت بر سر دفاع از مارکسیسم و یا نحلّه خاصی از سوسیالیسم نیست. صحبت بر سر چپ وفادار به آرمانهای رهائی و برابری در کلی ترین سطح است. چپی که هنوز خود را انقلابی می داند. به زعم من چنین چپی نه مجاز به استفاده از تریبون فرهنگ توسعه برای پخش نظرات خود است و نه مجاز به معرفی این سایت و نویسندگان به عنوان جزئی از خانواده چپ. امروز که سیاست این سایت رسماً در دفاع از جمهوری اسلامی تبیین شده است، ارسال نوشته برای آن و معرفی نشریات این سایت در کنار نشریات سازمانها و احزاب انقلابی چپ تنها به معنای تقویت توهم نسبت به این پادوهای جمهوری اسلامی در چپ خواهد

بود و بس. این جرثومه ها را باید از خانواده شریف چپ بیرون راند. این را مدیون همه جانبختگان راه سوسیالیسم، این را مدیون همه کارگران و دانشجویان دربند، این را مدیون همه "اراذل و اوباش" اعدام شده، این را مدیون همه زنان سنگسار شده و این را مدیون میلیونها انسان زحمتکش و شریفی هستیم که ارتجاع اسلامی سعادت و بهروزی شان را سلب کرده است.

¹ نگاه کنید به <http://www.omied.net>

² نگاه کنید به مطلب "گذری کوتاه بر نوشته‌ی «شیخ لیبرالیزم و دام ارتجاع»" در سایت فرهنگ توسعه.

³ نوشته پاکزاد تحت عنوان "بی خودی کفش پاره کردن چرا؟"